ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

چهارشنبه ۵ آذر ۱۳۹۹ - شماره ۶۶۳۳

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

www.INN.ir

info@inn.ir

سوژه

رسول مجیدی

کی روش و کلمبیا در آخر خط

«رابطه هیچ‌وقت عاشقانه نبود. کارلوس کی‌روش در نزدیک به دو سالی که روی نیمکت بود، هیچ‌وقت نتوانست هواداران تیم ملی را متقاعد کند اما شکست تاریخی ۱-۶ به اکوادر در دور چهارم رقابت های انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ مرد پرتغالی را در آستانه لبه پرتگاه قرار داد.»

این جمله اول گزارش سایت تلویزیون RCN کلمبیاست. وضعیت در رسانه های کلمبیایی دیگر هم جزاین نیست. نتایج و از همه مهم‌تر بازی های بد کلمبیا همه را تبدیل به منتقد سرمربی اسبق تیم ملی کشورمان کرده.

سایت تلویزیون RCN در ادامه نوشته «بعد از رسوایی درگیری بین بازیکنان و زیرسؤال بردن تصمیمات سرمربی، خروج مرد پرتغالی مشخص است و حالا فدراسیون دنبال جایگزین او می گردد.»

این سایت البته در پایان اشاره‌ای هم کرده به خبر روزنامه‌نگار رادیو Caracol که دیروز در سایت های فارسی منتشر شد.

دارسی کوین فاش کرده بود که کی روش در حال مذاکره با فدراسیون فوتبال کلمبیا در مورد جدایی خود است و از طریق واتساپ با برخی از اعضای کادر مربیگری و بازیکنان خود خداحافظی کرده است.

او در برنامه رادیویی معروفش در کلمبیا گفته بود: «کی روش در واتساپ برای کادرفنی تیم ملی فوتبال کلمبیا پیام خداحافظی ارسال کرده است و به آنها گفته در این زمان از همه حمایت های آنها بسیار سپاسگزار است و هم اکنون کلمبیا را ترک می کند.»

سایت های کلمبیایی از دیروز گمانه زنی درباره جانشین کی روش را هم شروع کرده‌اند. حالا هم صحبت از رینالدو روئدا، سرمربی کلمبیایی تیم ملی شیلی است که شاید به زودی از این تیم جدا بشود و همچنین خوان کارلوس اوزاریو که در لیگ داخلی مربیگری می کند و همیشه گفته آرزویش هدایت تیم ملی کشورش است. رسانه های کلمبیایی حتی از کارلو آنچلوتی که در اورتون چندین و چند بازیکن کلمبیایی را هدایت می کند، نام برده‌اند که شاید به طور همزمان بتواند به کلمبیا هم کمک کند اما هرچه که هست به نظر دیگر کی روش را در قامت سرمربی کلمبیا نبینیم و بعید نیست نتایج بدش باعث شود برای مدتی از دنیا و هیاهوی فوتبال دور شود.

سوژه

شهاب اخلاقی

فوتبال برتر و میثاقی را نمی‌شود نادیده گرفت

حالا بعد از گذشت حدوداً ۲ سال از حذف عادل فردوسی‌پور و برنامه نود از آنتن شبکه سوم سیما، باید گفت محمد حسین میثاقی و برنامه فوتبال برتر تا حدود زیادی توانسته‌اند خلأ یک برنامه چالشی در آنتن صداوسیما را پر کنند.

این گزاره قطعاً مخالفین زیادی خواهد داشت. مخالفینی که به دلایل بسیار ترجیح می‌دهند همچنان پشت عادل فردوسی‌پور بمانند و البته مخالفینی که حتی اگر تکذیب هم بکنند، مخاطب برنامه میثاقی شده‌اند.

برنامه دوشنبه شب فوتبال برتر نشان داد چیزی از سلف خویش کمتر ندارد؛ چالشی است و می خواهد اتفاقات مهم فوتبال در یک هفته گذشته را بررسی کند. مجری اش کنکاش می کند و نقش محوری اش در فوتبال ایران را باور کرده. هر انتقادی به برنامه فوتبال بگیرید، نمی توانید بگویید برنامه نود نداشته. اگر فکر می کنید این برنامه از قصد می خواهد اهالی فوتبال را روبه روی هم قرار دهد، اول باید به برنامه نود خرده بگیرید.

فوتبال برتر برنامه‌ای است با گرافیک چشم‌نواز، مجری‌ای که حواسش به حرف مهمان ها است و مدام ذهنش را درگیر اتفاقات پشت صحنه نمی کند. این یکی البته مرهون این است که تهیه کننده و مجری برنامه از هم مجزا هستند و گرچه شاید بخش تحریریه همچنان زیر نظر مجری کار می کنند اما لازم نیست او یک برنامه یک نفره را روی آنتن ببرد و حواسش همه جا باشد.

میثاقی در ۲ سال گذشته حسابی زیر فشار بوده و هر اشتباه کوچکش بزرگنمایی شده اما حالا و با شروع فصل جدید که دیگر درگیر برنامه روزهای بازی هم نیست، موفق شده میلیون ها بیننده را دوشنبه شب ها مجبور کند دوباره به شبکه سوم برگردند.

شاید شما برنامه او را نبینید اما حتماً در فضای مجازی از جنجال ها و آیتم هایش باخبر می‌شوید. فوتبال برتر هم در ماجرای قرارداد ویلموتس همچنان پیگیر است و هم دوشنبه شب گذشته حرف های مهمی از مدیران فوتبال را روی آنتن برد. برنامه‌ای که هنوز جای کار دارد اما قطعاً فعلاً بدون رقیب است.

عکس روز

حالا زنان هم دیده می‌شوند

عکس از رونالد دوستی

پخش مستقیم مسابقات ورزش زنان در ایران یکی از آرزوهای دیرینه ورزشکاران زن است. اتفاقی که هم باعث می شود آنها بیشتر دیده شوند و هم می تواند اسپانسرها و جریان مالی را به سمت ورزش نحیف زنان هدایت کند. اتفاقی که البته چند هفته است رخ داده و فدراسیون بسکتبال جمهوری اسلامی ایران توانسته با اخذ مجوزهای لازم رقابت های این فصل بسکتبال زنان را برای اولین بار روی سایت آپارات به صورت زنده پخش کند. حالا دیگر بسکتبال زنان قرار نیست محدود به عکس هایی مثل تصویر بالا باشد و علاقه‌مندان می توانند بازی ها را به صورت زنده هم تماشا کنند. در ۲ هفته گذشته ۱۲ بازی از لیگ برتر بسکتبال زنان انجام شده و همه این بازی ها پخش مستقیم شده‌اند. البته تصاویر روی آپارات ذخیره نمی شوند و علاقه‌مندان فقط به صورت زنده می توانند تماشاگر مسابقات باشند.

طنزیم

هومن جعفری

خداحافظی از لیگ یعنی کشک!

سالگرد مرحوم دهداری هم دوباره از راه رسید و یک سال دیگر و یک بار دیگر، از ایشان و میراث و تفکرشان، دورتر و دورتر شدیم. واقعاً برایم جالب است که بدانم اگر آن مرحوم زنده بود و فوتبال الان را می دید، چه حسی به او دست می داد.

***

دفعه قبل نوشتیم بیانیه خداحافظی از لیگ ذوب آهن، کشکی است. امروز شاهدش رسید و اعلام شد که این باشگاه نه تنها هیچ نامه کناره‌گیری به سازمان لیگ ارسال نکرده بلکه حتی برای پیشبرد امور مربوط به این موضوع، حتی یک خمیازه هم نکشیده‌اند!

اصولاً در ایران هر تهدیدی مربوط به استعفا و کناره‌گیری دیدید نه تنها باور نکنید بلکه مطمئن شوید که طرف دارد با دست پس می زند که با پایش بکشد! باز هم تأکید می کنیم اگر دوستان در ذوب آهن خیلی میل دارند که در لیگ برتر نباشند، فقط کافی است تا آخر فصل دندان روی جگر بگذارند. با این اوضاع مدیریتی و فنی قطعاً به مرادشان می رسند.

تک به تک

میعاد نیک

زباله‌پراکنی به نام لیگ برتر

قطع نخاع فوتبال

مسأله خشونت افسارگسیخته در لیگ فوتبال تبدیل به بحرانی شده که هر لحظه پررنگ‌تر می‌شود و هیچ اقدامی هم از سوی مسئولان برگزاری این مسابقات برای جلوگیری از تشدید چنین معضل مهمی دیده نشده. پیش‌تر بارها دیده بودیم که درصد بزرگی از هجمه‌ها و خشونت‌ها را به گردن سکوهای مملو از تماشاگر بیندازند، اما در مدتی که شیوع بیماری کرونا مانع از حضور حداقلی هواداران در استادیوم‌ها شده، می‌بینیم که این عصبانیت و خشم‌های پنهان حالا به طرز غریبی از نیمکت تیم‌ها، سرمربیان و حتی مدیران منتشر می‌شود و به سرعت در حال تسری بین سایرین است.

بیانیه‌های پیش از بازی، شکوائیه‌های نامستند پس از بازی، گلایه‌های «ننه من غریبم»، ارسال جاسوس به اردوی تیم رقیب، فحاشی جنسی و تاک‌شوی تخریبی روی آنتن زنده تلویزیون ملی از مسائلی ست که پرداختن به آن تقریباً کمر اخلاق در فوتبال را شکسته و تنها ویژگی بارز فوتبال ما را قطع نخاع کرده است. فوتبال ما که هرگز از نظر بار فنی و تاکتیکی حرفی برای گفتن مقابل کره و ژاپن نداشت و حالا حتی از قطر، امارات و عربستان هم فشل‌تر عمل می‌کند؛ حالا از این رشته تنها سنگر مفتخرانه که همان اخلاق باشد هم گرفته شده تا هر هفته مشغول مشاهده زباله‌پراکنی مدرنی به اسم مسابقات لیگ برتر باشیم.

نبود تماشاگران در نیمی از مسابقات فصل گذشته و این ۲ هفته برگزار شده از لیگ بیستم، نشان می‌دهد که تا چه حد تفکر چاله میدانی و الواطی بین بازیکنان، مربیان، اعضای کادرفنی و حتی مدیران رده بالای فوتبال مملکت اشاعه پیدا کرده و سکوت استادیوم‌ها به وضوح صدای فحاشی سردمداران اخلاق کمک می‌کند. مسأله ترویج خشونت یک معضل ساختاری‌ست که با محرومیت و محدودیت حل نمی‌شود؛ برطرف کردن این مشکل به یک برنامه اجرایی مدون و البته افرادی واجد صلاحیت و سالم نیاز دارد که نظیر آن ابداً در فوتبال ما یافت نمی‌شود.

نفر به نفر

حجم حیرت انگیز اعتراضات و بیانیه‌ها در دو هفته ابتدایی لیگ

فوتبال ایران، ورزشی برای لذت نبردن!

با وجود اینکه تنها دو هفته از رقابت های لیگ برتر گذشته، بازار اعتراض و بیانیه خیلی زود داغ شده است. در بازی فولاد - استقلال، فیلم منتشرشده از محمود فکری در حال توهین به سبک بازی تیم نکونام منجر به ایجاد حاشیه هایی شد و اهوازی ها با شکایت رسمی و صدور بیانیه نسبت به این مسأله واکنش نشان دادند. باشگاه استقلال هم برای این که از قافله عقب نماند، جواب باشگاه فولاد را با انتشار متنی در صفحات مجازی رسمی باشگاه داد و مسأله حضور سعید آذری، مدیرعامل فولاد، در کمیته اخلاق را پیش کشید. مشاجره این دو باشگاه دوشنبه شب و توسط احمد مددی و سعید آذری به عنوان نمایندگان دو باشگاه در برنامه فوتبال برتر هم ادامه یافت. در بازی تاریخی پیکان - شهرخودرو که به دلیل ریزش شدید باران در دو روز متفاوت و در دو ورزشگاه متفاوت برگزار شد، بازیکنان تیم شهرخودرو و به ویژه سرمربی شان، مهدی رحمتی، نسبت به سبک بازی تیم پیکان شاکی بودند و آنها را متهم به وقت‌کشی کردند. باشگاه پیکان هم نسبت به این اظهارات سرمربی شهرخودرو واکنش نشان داد و در بیانیه خود طعنه هایی را نسبت به فرهاد حمیداوی، مالک شهرخودرو، وارد و او را متهم به دخالت در امور فنی باشگاه کرد. باشگاه شهرخودرو هم جواب بیانیه باشگاه پیکان را داد. مسئولان باشگاه پرسپولیس هم در این بین نسبت به اخراج یحیی گل‌محمدی در بازی با صنعت نفت آبادان واکنش نشان داده و به طور جدی پیگیر لغو این محرومیت هستند که اگر به خواسته شان نرسند، احتمالاً باید منتظر صدور بیانیه‌ای از طرف آنها و ذکر این نکته که «همه متحد شده‌اند تا ما این فصل قهرمان نشویم» باشیم! این حجم از اعتراض، این حجم از زشتی لب خط و بیرون زمین و این حجم از مانور روی مسائل کم اهمیت، کلمه و احساسی جز «تأسف» را برای فوتبال ایران باقی نمی گذارد. یک زمانی این قضیه مطرح شد که اگر کمیته انضباطی جرایم سنگینی را برای مربیان و بازیکنانی که پیرامون داوری صحبت می کنند در نظر بگیرد، از میزان اعتراضات کاسته خواهد شد. کما این که می بینیم در رقابت های باشگاه های آسیاتیم ها، بازیکنان و مربیان ایرانی جرأت اعتراض به مسائل داوری را ندارند. این گزینه همچنان می تواند در کاهش میزان اعتراضات مؤثر باشد، اما تیم ها در چند سال اخیر دریچه های جدیدی را برای اعتراض و جنجال به روی خود باز کرده و عملاً کنترل کار از دست کمیته انضباطی یا اخلاق یا هر نهاد دیگری خارج شده است! به راستی در کجای دنیا دیده‌اید سبک بازی یک تیم (حتی اگر واقعاً وقت کشی بوده باشد) منجر به توهین یک سرمربی به سرمربی تیم مقابل شود و کار به صدور بیانیه بین دو باشگاه بکشد؟ نهادهای مسئول در این زمینه چه می توانند بکنند؟ قوانینی را پیرامون عدم صحبت درباره نحوه بازی تیم مقابل وضع کنند!؟

میزان خشم و عصبانیت جاری در فوتبال ایران به بالاترین حد خود رسیده است. کوچک‌ترین اتفاقات در این فوتبال پتانسیل تبدیل شدن به یک جنجال بزرگ را دارند. همه افرادی که در این فوتبال سهیم هستند، مدت هاست دیگر از آن لذت نمی‌برند و فراموش کرده‌اند قبل از هر چیز، فوتبال ورزشی برای سرگرمی و لذت بردن است، نه این همه جار و جنجال و توهین و اتهام و بی‌اخلاقی. ای کاش همه ما در خلوتمان به آن کلمه «بازی» قبل از فوتبال بیشتر فکر کنیم؛ بله، «بازی فوتبال»!

گزارش

هنر زیبا باختن را هم ندارید

باخته و بـــرنده مون هیچ

سام ستارزاده

مطالعه مصاحبه‌ها و حواشی پیرامون سرمربی های بازنده در لیگ برتر، مدت دور و درازی است که به یکی از رنج آورترین کارها بدل گشته. لیگ بیستم، پذیرای لیست بلندبالایی از مربیان کم سن‌وسال تر است؛ ولی واکنش های نسل قدیم و جدید این قشر به شکست تیمشان با یکدیگر مو نمی زند.

بخشی از واکنش‌های همین دو هفته را مرور کنیم: دو سرمربی جوان، لیگ را با شکست سه‌گله آغاز کردند. یکی اینستاگرامش را به استوری های مظلوم‌نمایانه آغشته به بوی جدایی مزین کرد؛ و دیگری کاسه‌وکوزه ها را بر سر بانویی که در دپارتمان پزشکی فدراسیون فعالیت می کند شکست.

مربی بازنده بازی بزرگ این هفته نیز، با فحاشی هایش کاخ تصوراتمان از شخصیت جنتلمن و متینش را فرو ریخت؛ اتفاقی که البته در لیگ برتر و به ویژه دسته های پایین‌تر، دیگر یک روزمره به شمار می رود و در دوران کرونا، تنها به لطف سکوت روی سکوها صدای گوشخراش شنیده می‌شود. عجیب‌تر از همه اینها، تهدید ذوب آهن به انصراف از لیگ به خاطر اشتباهات داوری است؛ آن هم طی نامه‌ای که نه به سازمان لیگ، بلکه به وزارت ورزش فرستاده شده!

در این میان، جملاتی هم وجود دارند که بعید است چندان از زبان مربیان ناکام جاری شوند؛ جملاتی از جنس پذیرش اشتباهات، عذرخواهی از هواداران، تزریق روحیه به بازیکنان برای تلاش با اراده بیشتر در ادامه مسیر و تحسین برتری فنی حریف. هرچند مورد دوم را در کلام محمود فکری دیدیم، چنین الفاظ متشخصانه‌ای اگر به کار برده شوند هم، دیری نمی‌پاید که فراموش شوند و تنها دعواها و مجادله های لفظی و حتی بعضاً غیرلفظی بر جای بمانند.

پارسال در چنین روزهایی که آندره‌آ استراماچونی از استقلال رانده شده بود، از درس‌هایی که وی در مدت کوتاه حضورش در ایران به ما یاد داده بود، نوشتم: «مرد ایتالیایی شکست می خورد؛ به بدبیاری ها اشاره می کرد ولی از استواری او کم نمی شد. هیچ‌گاه نگفت داوری سر ما را بربد. شکست ها را با بهانه های برحق فراموش نمی کرد؛ بلکه آنها را به انگیزه‌ای برای تلاش دوباره بدل می ساخت. همین که به خبرنگاران از این موانع می‌گفت، آنها را از ذهن خود بیرون می‌برد و تنها به تمرین های سخت پیش رو تمرکز می‌کرد.»

همین سخن ها را در مورد برانکو ایوانکوویچ نیز می‌توان گفت. ابتدای لیگ پانزدهم را همه دیدیم که پرسپولیس برانکو با نمایش تماشاگرپسندانه، اما تهی از اقبال، به قعر جدول لیگ رسیده بود. حال که ورود امثال برانکو و استراماچونی را ممنوع کرده‌ایم، قرار است با احترام و متانتی که آنها در قبال ناملایمتی ها علیه تیمشان داشتند هم خداحافظی کنیم؟ آیا دوست داریم بگذاریم فوتبال مان به همین منوال پیش برود تا حواشی بیرون زمینش از جذابیت های درون زمینش پیشی بگیرند؟ جنگ بیانیه، رقابت ناسزاگویی و اهانت و درگیری‌های لفظی، نه برنده‌ای دارند و نه جذابیتی برای ما فوتبال دوستان. به شخصه سعید آذری را مدیر قابل ستایشی می‌دانم. با این حال، کل کل آذری و مددی در رسانه ملی هیچ آورده‌ای جز سردرد برای مخاطبین فوتبال ایران به ارمغان نمی‌آورد؛ که برای خود فوتبال همان را هم به همراه ندارد. هیچ مربی و مدیری قرار نیست همیشه پیروز هر میدانی باشد. باختن زیبا اما، هنرمندی و شجاعتی می خواهد که در عده اندکی از نیمکت‌داران فوتبال باشگاهی کشورمان دیده می‌شود.

پنالتی

مازیار گیلکان

مسائل بی اهمیت در فدراسیون فوتبال

صفر از ۱۰ در VAR

فصل گذشته لیگ برتر هنوز آغاز نشده بود که همه در سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال درباره VAR حرف می‌زدند. از تجهیز ورزشگاه‌ها می‌گفتند و از آموزش داوران.

مهدی تاج بارها و بارها درباره خرید این فناوری از شرکت‌های خارجی و ایرانی حرف زده بود و وعده می‌داد که از آغاز لیگ ۹۹-۹۸ داوران از VAR استفاده می‌کنند. اما آن وعده‌ها خواب و خیال بودند. نه خبری از خرید فناوری شد و نه کسی توضیح داد که چرا VAR از پروژه‌های فدراسیون حذف شد.

این روزها که اعتراض به داوری‌ها در لیگ برتر شدت گرفته و حتی شایعه کناره‌گیری تیم‌ها در اعتراض به داوری‌ها شنیده می‌شود، دوباره باید یاد فناوری کمک‌داور ویدیویی بیفتیم که چرا در فوتبال ایران اجرایی نمی‌شود.

لازم نیست فوتبال ایران را با اروپا مقایسه کنیم. کمیته داوران فوتبال عراق مدتهاست اجرای فناوری کمک داور ویدئویی (VAR) در ورزشگاه‌های خود را آغاز کرده است. فدراسیون فوتبال عراق در سال‌های اخیر با مشکلات متعددی رو به رو بوده و تجهیز ورزشگاه‌های این کشور به فناوری VAR علی‌رغم همه این مشکلات، عملکرد مدیران فوتبال ایران را به نقد می‌کشد.

فناوری کمک‌داور ویدیویی می‌توانست اعتماد را به لیگ برتر برگرداند و کمک کند تا داوران با تصمیمات دقیق‌تر از این هجمه‌ها رها شوند، اما بعید است فدراسیون فوتبال برنامه‌ای برای تجهیز ورزشگاه‌ها به VAR داشته باشد.

گزارش چندی پیش ایران ورزشی درباره آنچه باعث شد این فناوری به ایران نیاید، نشان می‌دهد که مسائل کلیدی فوتبال چقدر برای فدراسیون فوتبال کم اهمیت است. این فقط گوشه‌ای از آن گزارش است که داود رفعتی، رئیس سابق دپارتمان درباره این فناوری توضیح داده است: «آقای ممبینی که آمد، تیم را به هم ریخت.»

اعضا را عوض کرد و سیستم دیگری در پیش گرفت که در آن باید کار را راه‌اندازی VAR را از صفر شروع می‌کرد. او کلاس آموزش داوران را با سیستم ایرانی برگزار کرد که بسیار کیفیت پایینی داشت. طوری که وقتی من از مدرس فیفا در این کلاس پرسیدم که کیفیت این سیستم‌ها چطور بود؟ گفت از ۱۰ نمره صفر می‌گیرد. یعنی ما هیچ شانسی برای تأیید این سیستم‌ها از سوی فیفا نداشتیم. با این حال شرکت ایرانی برای نصب سیستم در هر ورزشگاه ۳ میلیارد خواسته بود!

آن هم برای سیستمی که از استانداردهای جهانی خیلی دور بود! این در حالی بود که به قیمت یورو در آن زمان، هزینه هر سیستم خارجی برای هر ورزشگاه یک میلیارد تومان تمام می‌شد.»

کاریکاتور

عمر ممانی

هواداران بارسلونا فعلاً از نتایج و نحوه بازی تیم‌شان راضی نیستند و به زمین و زمان مشکوکند. برخی از آنها حتی معتقدند گریزمان از وقتی موهایش را کوتاه نکرده بازی‌هایش افت کرده و خواستار کوتاه شدن موی او هستند اما گریزمان اخیراً در مصاحبه‌ای گفته حتی اگر باشگاه به طور رسمی هم از او بخواهد موهایش را کوتاه کند، از این کار سرباز می‌زند چون مدل موی فعلی‌اش مورد علاقه و رضایت همسر و فرزندانش است.

در چنین روزی — آذر ۱۳۸۰

کنفرانس تاریخی بلاژویچ بعد از حذف از جام جهانی

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران گفت: «من اعتراف می‌کنم که یک بازنده واقعی هستم و نمی‌توانم به هیچ‌وجه ناکامی تیم ملی فوتبال ایران را در عدم راهیابی به مسابقات جام جهانی ۲۰۰۲ توجیه کنم.»

«میروسلاو بلاژویچ» که در محل اردوهای تیم‌های ملی فوتبال با خبرنگاران سخن می‌گفت یادآور شد که بسیار متأسف است از اینکه نتوانسته تیم ایران را با توجه به وجود استعدادهای بیشمار در کشور، به جام جهانی هدایت کند و بدون شک با همین خاطره خواهد مرد. سرمربی تیم ملی فوتبال ایران یکی از دلایل عدم صعود به جام جهانی را پرداختن به مسائل حاشیه‌ای در اوایل حضور خود در ایران عنوان کرد و گفت: «اگر در آن زمان به مسائلی که در مطبوعات بر علیه من و تیم من نوشته می‌شد، پاسخ نمی‌دادم و به کار خود می‌رسیدم شاید وضعیتی به مراتب بهتر از امروز داشتم.»

بلاژویچ ادامه داد: «اگر باهوش‌تر و مدبرتر بودم و فکر خود را برای مقابله با برخی روزنامه‌ها و مربیان که دنبال مسائل حاشیه‌ای بودند، صرف نمی‌کردم، به طور قطع می‌توانستم تیم ایران را به جام جهانی هدایت کنم.»

وی اضافه کرد: «دقیقاً در همان زمان بود که از سوی برخی از دوستان بارها به من پیشنهاد می‌شد که به مطالب روزنامه‌ها توجهی نداشته باشم اما می‌دیدم که بازیکنان من خواسته یا ناخواسته در جریان این مسائل قرار گرفته‌اند و این امر در روند کیفی تیم، مشکلاتی را ایجاد کرده است.»